


نوع مقاله: ترویجی

تبیین مفهوم تجسم اعمال (دئنا) از منظر دین اسلام، زردشتی و مانوی

پروانه تقی‌خانی / دانشجوی دکتری ادیان ایران باستان دانشگاه ادیان و مذاهب

parmida2020khanii@gmail.com  orcid.org/0000-0002-9605-2408 <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۱۷

دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۱۲

چکیده

نتایج اعمال در هر دینی جزء لاینفک و اساسی در آخرت‌شناسی آن دین است و همچنین در بعضی موارد انسان آثار اعمال خود را در این دنیا می‌بیند. اما مسئله اینجاست که در هر دینی نوع این بازگشت عمل، با توجه به اسطوره و عقاید هر دین در باب آفرینش و پایان جهان چگونه است؟ در اسلام و قرآن به درازا از مفاهیم نیت اعمال، برزخ و معاد و قیامت سخن گفته شده است. در دین زردشت و متون اوستایی و پهلوی علاوه بر معاد، بر پایه قانون اشه، رفتار انسان در همین جهان نیز به خودش برمی‌گردد. در کل، بهشت یا دوزخ، بازتاب طبیعی کردار انسان است. در مانویت اعتقاد به تناسخ انسان گناهکار در این دنیا و رفتن به بهشت نو و سپس بهشت روشنی، بعد از پاک‌ی و نورانیت کامل، مطرح است. بنابراین این بحث در دین زرتشت و اسلام تا حدودی باهم هم‌افق است؛ اما در مانویت کاملاً بحث فرق می‌کند؛ که در این مقاله با استفاده از روش کتابخانه‌ای و توصیفی، مورد بررسی قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: تجسم اعمال، دئنا، معاد جسمانی-روحانی، پل صراط (چینوت)، بهشت، دوزخ.

مقدمه

بعضی، تجسم اعمال را ناممکن می‌دانند؛ زیرا بُعد روانی و معنوی اعمال را نادیده انگاشته و فقط به بُعد ظاهری و اعمال بدنی توجه کرده‌اند؛ اما در واقع، روح و حیثیت اعمال است که بدون آن، عمل هیچ ارزشی ندارد و بدون نیت و قصد که عمل روحی است، حرکات بدن مشمول ثواب و عقاب نمی‌شود. اشتباه است که عمل را صرفاً حرکات و سکناات عارض بر بدن بدانند. حقیقت و اصل عمل در همهٔ عوالم محفوظ است و با اختلاف عوالم، فقط صورت‌ها تغییر می‌یابد. امکان تجسم اعمال از لحاظ علمی هم به اثبات رسیده است؛ پس در مسئلهٔ تجسم اعمال، دربارهٔ هر دو بُعد بحث می‌شود (طباطبایی، ۱۳۹۲، ص ۱۹۴).

تا به حال در کتاب‌ها و مقالات زیادی به صورت جداگانه مطالبی در مورد تجسم اعمال در هریک از ادیان اسلام، زردشت و مانی بررسی شده است؛ از جمله مقاله‌های «تجسم اعمال از منظر دین و فلسفه» (کشاورز و تجری، ۱۳۸۱)؛ «تجسم اعمال در قیامت» (جعفری، ۱۳۹۶)؛ «جهان آخرت و تن پسین» (شه‌بازی و نداف، ۱۳۹۱)؛ «بررسی تطبیقی سرنوشت انسان پس از مرگ در اسلام و زرتشت» (حاجتی شورکی، ۱۳۹۶)؛ «مفهوم دتنا در نوشته‌های سغدی» (زرشناس، ۱۳۸۵) که به چاپ رسیده‌اند. اما چون به صورت اساسی و به تفصیل در این خصوص و با این عنوان تحقیقی انجام نگرفته؛ از این رو ضرورت این بحث در نظر دین‌پژوهان غیرقابل انکار است.

۱. مفهوم دتنا Daena یا تجسم اعمال در دین زرتشت

دتنا در اوستا به دو معنا آمده است: ۱. کیش و مذهب؛ ۲. وجدان یا نیروی تشخیص نیک از بد که به عنوان یکی از نیروهای پنج‌گانه اهورامزدا در باطن آدمی به ودیعه گذاشته است. این نیرو که شریف‌ترین نیروی معنوی است و مستقل از جسم، فناپذیر و بی‌پایان است؛ همواره انسان را از نیکی و زشتی عملش آگاه می‌کند و راهنمای او در زندگی است؛ اما پس از مرگ، تجسم اعمال در گذشته است (حاجتی، ۱۳۹۸، ص ۱۸۹).

بنا بر اوستا، پس از مردن در پگاه روز چهارم، روح از تن جدا می‌شود. اگر مرده نیکوکار باشد وجدان او به شکل دختر زیبایی روبه‌روی او نمایان گشته، وی را به سوی بهشت راهنمایی می‌کند. روان نیکوکار از روی پل چینوت chinvat که در بالای رودخانه‌ای از آسین گذاشته قرار دارد، با

پیش از آنکه مفهوم تجسم اعمال در ادیان موردنظر را بررسی کنیم، ضمیر ناخودآگاه ما این سؤال را طرح می‌کند که از کجا آمده‌ایم و به کجا خواهیم رفت؟ و در این زمینه سؤالاتی مطرح می‌شود؛ که آیا جایگاه روان همه انسان‌ها (چه بدکار چه نیکوکار) در جهان آخرت یکسان است و در کل، جایگاه آنها چگونه است؟ چه فرقی بین تجسم اعمال یا دتنا در دین اسلام، زرتشت و مانی وجود دارد؟ در هریک از این سه دین، مبحث بازگشت اعمال بد به خود شخص، به چه هدفی و تا چه زمان ادامه دارد؟ آیا این امر جسمانی و روحانی است، یا صرفاً روحانی؟ چه چیزی غیر از تأثیر اعمال و نیت در زندگی آن دنیایی انسان‌ها مؤثر است؟ افراد در جهان پس از مرگ چگونه داوری می‌شوند؟ گویی لزوم اعتقاد به دو اصل اجتناب‌ناپذیر مبدأ و معاد برای انسان‌ها مورد توجه قرار می‌گیرد. این امر نشان می‌دهد که بشر در اعماق قلبش به بقاء پس از مرگ معتقد است؛ هرچند افکارش تحت تأثیر عواملی قرار گیرد و زبانش حقیقت را انکار کند. لزوم بعثت انبیاء جهت پرورش فطرت و هدایت افکار نسل بشر به خوبی نشان می‌دهد که تمام ادیان آسمانی، همانند دین مقدس اسلام برای زندگی پس از مرگ اهمیت فوق‌العاده قائل شده‌اند. دین اسلام که اکمل و اتم ادیان الهی است، برجسته‌تر از همه ادیان دیگر قیامت و حوادث پس از مرگ را به تفصیل مطرح کرده و با براهین ساطع، مستدل ساخته است. هرگاه انسان‌ها معتقد باشند که پروندهٔ اعمال‌شان محفوظ می‌ماند، احساس مسئولیت و بیم از سرنوشت، آنها را از هرگونه گناه و مفسد اخلاقی باز می‌دارد.

دربارهٔ چگونگی پایان کار جسد، چه نیکوکار باشد و چه گناهکار، زردشتیان مدعی هستند پس از اینکه با آن تونیک و کمر بند در روز اول تقدیس شدند، دارای سرنوشت جداگانه‌ای هستند. کسی که در خانوادهٔ زردشتی به دنیا بیاید و مراسم (توجیه) دربارهٔ او انجام گیرد، از افراد برجسته و رستگار است؛ زیرا کسی که تازه متولد شده، مقدس‌ترین موجودات انسانی است؛ و افرادی که در این مراسم پذیرفته نشوند، به شکل توده‌ای کثیف در جهان ماده باقی خواهند ماند و هرگز با روح خود تماس نخواهند داشت (ژان وارن، ۱۳۶۲، ص ۱۲۲). در دین مانی روان انسان یکی از این سه راه را خواهند پویید: بهشت نو برای راستکاران، جهان ترس و بیم یا برزخ برای ستیزه‌جویانی که در عین حال یاور راستکاران و نگهبان آیین‌اند و دوزخ برای انسان گناهکار و صرفاً معاد روحانی است (اسماعیل پور، ۱۳۹۶، ص ۲۲۱).

زردشت درست و ارزشمند هستند، در این جهان پاداش خواهد داد؛ آنکه با راستی کارهای درستی را که برای زردشت درخشان‌ترین هستند، انجام دهد، او سزاوار پاداش است که به وی زندگی متعالی و منش نیک خواهد بخشید. با ایشان توای مزدا خود را بهترین فراهم‌کننده نمایان می‌کنی (یسنه، هات ۴۶، بند ۹-۱۳). اما زرتشت در خوشی و ناخوشی مردم بی‌قید نیست و برای راهنمایی مردم برانگیخته شده است؛ چنان که خود در یسنه ۴، ۲۸ گوید: چون من از برای نگهداری روان مردمان گماشته شده‌ام و از پاداش و سزای اهورامزدا برای کردار آگاهم؛ از این رو تا من را توان است خواهم کوشید که مردم جوایب راستی شوند (پورداد، بی‌تا، ص ۷۶).

یک زرتشتی نباید راه افراط و تفریط پیش گیرد. با آنکه یک نفر زرتشتی می‌تواند با خواندن آیاتی چند، به معاصی و گناهان خود اقرار کند؛ اما فلسفه دین زرتشتی، هر شخص را مسئول روح خود می‌داند. هرکس در این جهان باید براساس آیین ازلی (اشه یا راستی) که بنیان زندگی را تشکیل می‌دهد، رفتار کند؛ زیرا کردار نیک و زشت آنها به‌دقت سنجیده خواهد شد. اگر وی گناهکار باشد تنها کفاره او برای جبران گناهان، انجام کارهای خیر و خوب است؛ تا به این روش نیروی اهریمنی را تضعیف گرداند. در این دین نه‌تنها اعمال به حساب می‌آید؛ بلکه کلمات و افکار و مقاصد و نیات نیز برای انسان حساب می‌شود (بویس و دیگران، ۱۳۸۸، ص ۱۶۸).

۲. نمونه‌هایی از تجسم اعمال

دیدم روان مردی که جمجمهٔ مردمان در دست داشت و مغز آنها را می‌خورد؛ پرسیدم: این تن چه گناه کرد؟ سروش اهلو و آذر ایزد گفتند: «این روان آن مرد دروندی است که در گیتی خواسته نه از راه درست داشت؛ بلکه از دارایی کسان دیگر دزدید و دوستان خویش را به دشمنان هشت و خود باید تنها در دوزخ باشد» (ژینیو، ۱۳۸۲، فصل ۴۶، ص ۷۵). و دیدم بسیار مردم که سر و ریش‌شان تراشیده، گونه زرد و همهٔ تن پوشیده و خرفستران روی آنان راه می‌رفتند و پرسیدم که اینها که و کدام هستند؟ سروش اهلو و آذر ایزد گفتند: «اینها روان آن مردمانی هستند که در گیتی اشموغ و فریفتار بودند و مردمان را نابود می‌کردند و آنها را از قانون نیکی به قانون بدی می‌آوردند و بسیار کیش و باور نادرست در جهان رواج دادند» (همان، فصل ۴۷).

خانهٔ سرود و خانهٔ دروغ از عباراتی است که در (یسنه، گاهان،

شتاب گذشته پس از پیمایش پویه‌های سه‌گانه (برای اندیشه، گفتار و کردار نیک) به بهشت و بارگاه باشکوه اهورامزدا می‌رود. اما کارهای انسان بدکار به چهره پیرزن زشت و اهریمنی در برابر او نمایان می‌شود و او را به‌سوی دوزخ رهنمون می‌گردد؛ که به‌خاطر مقدس بودن آتش دوزخ زرتشتی، جایی بسیار سرد و کیف است، که انواع جانوران در آن گناه‌کاران را آزار می‌دهند تا پایان دوران، یعنی رخداد فرسنگد فرا برسد. پل چینوت که برای نیکوکاران پهن و گسترده می‌شود، برای اینچنین روان‌ها باریک و تیز می‌شود. روان بدکار پس از پیمایش پویه‌های سه‌گانه اندیشه، گفتار و کردار بد که برای بدکاران برقرار شده به چهارمین جایگاه که جای تاریک و جای دروغ‌گویان است، می‌رسد. در آنجا برای او خوراک زهرآلود آورده و به انواع رنج‌ها گرفتار می‌شود (رضایی، ۱۳۸۶، ص ۱۲۵).

در جهان‌بینی زردشتی در گاهان اوستا سخن از دو گوهر نیکی و بدی یعنی خیر و شر است. اورمزد انسان را برای رزمگاهی در نبرد خیر و شر آفرید که برای انسان‌ها از همان آغاز آفرینش، خویش‌کاری و وظیفه‌ای مقرر کرد و خلقت انسان اهورایی است. انسان به جهان آمده تا با بدی‌ها بجنگد و سرانجام پیروز گردد و اگر چنین نکند به خویش‌کاری خویش، کاری نکرده است. هدف زندگی انسان در این دین کمک به اهورامزدا در نبرد وی با اهریمن است؛ بنابراین رستاخیز و تن‌پسین نماد پیروزی اهورامزدا بر اهریمن و بازآفرینی آفرینش به‌شکل آغازین است (وامقی، ۱۳۷۸، ص ۳۸).

زرتشت در مورد جهان پس از مرگ که رستاخیز شده و همیستگان دیگر وجود ندارد دو سرنوشت را برای روح انسان در نظر می‌گرفت: روح سعادت‌مند که دوباره صاحب تن شده و به آسمان و پیش‌خدایان می‌رود، و روح ناکام و جداشده از بدن که به قلمرو جهان زیرین مردگان می‌رود. خود درونی یا دنا که وجدان نیز نام دارد، مفهومی بسیار مهم در آئین زرتشت است که از اسطوره‌گزینش‌های دومینو به‌وجود می‌آید: روان انسانی که رهسپار بهشت است و در روی این پل با دختری زیبا ملاقات خواهد کرد، که از آن پس راهنما و ملازم وی خواهد شد. زرتشت این عقیدهٔ لذت‌گرایانه را به یک اعتقاد اخلاقی تبدیل کرد؛ به این معنا که آنچه اشخاص در آنجا با آن روبه‌رو می‌شوند، دنا و تجسم خود درونی آنهاست (بویس و دیگران، ۱۳۸۸، ص ۳۷).

در گاهان اشاراتی وجود دارد که انسان‌ها علاوه بر پاداش اخروی، در این جهان نیز مورد لطف اهوره مزدا قرار می‌گیرند. اهوره مزدا به کسانی که برای وی کارهایی انجام می‌دهند که از دید

در آئین زرتشت، انسان دارای پنج نیروی نهادی و باطنی است که اجزای متشکله بدن آدمی است و در زندگی وی نقش‌های متفاوت و مهمی را ایفا می‌کند. اهو (جان) که دو معنا دارد: هستی و زندگی، بزرگ و سرور نیروی جنبش. حرکت و حرارت‌گریزی زندگی است؛ اما این جان را با روح و روان به مفهوم عالی آن ربطی نیست. دئنا به معنای دیدن که به معنای بینش معنوی یا درونی هم هست؛ وجدان نیروی ممیزه و راهنمای آدمی در دوران زندگانی است که خداوند در وجود هر فردی به ودیعه گذاشته است؛ با مرگ مادی از بین نمی‌رود و او را رهنمون می‌شود تا از پل بگذرد. سومین نیرو از قوای پنج‌گانه آدمی، نیروی درک و فهم (بئوذ در اوستا، بوی در پهلوی) است که همواره بایستی از قوای ممیزه و هوش آدمی سرپرستی کند، تا مبدا نیروی ممیزه به خطایی دچار شود. چهارمین نیرو، روان یا روح (اوروان در زبان اوستایی، رووان در پهلوی همان روح یا نفس آدمی) است که سرپرستی نهایی نیروهای دیگر به‌عهده روح یا روان واگذار شده است. اما دربارهٔ پنجمین نیرو که فروهر یا ذرهٔ مینوی (فروشی در اوستا، فروهر در متون پهلوی) نام دارد، که در اوستا به دو معنا آمده: به معنای ارواح درگذشتگان و نیاکان، به معنای یکی از نیروهای پنج‌گانه که حافظ و نگهبان در بدن هر شخص هنگام تولد به امانت گذاشته می‌شود و روان را به‌سوی اهورامزدا هدایت می‌کند (حاجتی، ۱۳۹۸، ص ۱۹۰).

در هادخت نسک نیز چنین آمده که روان مرد پرهیزگار در پایان شب سوم احساس می‌کند که بادی از نیمه جنوبی (از نیمه ایزدان) بر او وزیده است. پس از آنکه روان مرد پرهیزگار باد را با بینی احساس می‌کند، چنین می‌گوید که باد از کجا می‌وزد؛ خوشبوترین بادی است که تاکنون احساس کرده‌ام. روان پرهیزگار احساس می‌کند که در آن باد کردار و دینش به‌شکل کنیز زیبایی درخشان برتر جلوه کرده و کردار گناهکار به شکل عجزه‌ای ظاهر می‌شود. بنابراین دئنا، نشان‌دهندهٔ تمام پندار، گفتار و کردار زندگی افراد است که در ماوراء مورد داوری قرار می‌گیرد (میرفخرایی، ۱۳۸۶، ص ۱۳۲).

بنا بر کتاب بندهش: «اگر آن روان پرهیزگار است در راه آنگاه او را گاو پیکری به پذیره رسد فربه و پرشیر که روان را از او کامکاری و رامش رسد؛ دیگر بستان پیکری رسد پربار، پرآب، پرمیوه بس آباد، که روان را از آن شادی و غنای اندیشه رسد، که بوم بهشتی است. اگر روان دروند است آنگاه او را گاو پیکری به پذیره رسد خشک، نزار

هات ۴۵، بند ۸) برای توصیف بهشت و دوزخ به‌کار رفته است. خانهٔ اندیشه نیک و خانهٔ بدترین اندیشه نیز به بهشت و دوزخ اشاره دارد. دوراهی راست و دروغ، به‌سوی یکی از راه‌ها حرکت کردن و در پایان راه، پاداش نیک یا مجازات کردار بد خویش را دیدن، بر بنیانی استوار نهاده شده است که یکی از آموزه‌های گاهانی است و زرتشت بارها در سرودهایش بر آن تأکید کرده است: «گزینش براساس خرد». براساس گاهان، دروغ یقیناً شکست خواهد خورد (یسنه، گاهان، هات ۳۰، بند ۱۰). گرمه‌ها، کوی‌ها و کرپن‌ها گروه‌های دروغ‌کاری هستند که زرتشت آنها را نام می‌برد و به این ترتیب جهان آرزویی و آرمانی به‌یاری پرهیزکاران محقق می‌شود که در اصطلاح، جهان فرشه یا فرشگرد نام دارد (مزدپور و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۱۸۳).

در گاتاها، چند بار از پل چینوت یاد شده است. چنان‌که اشاره شد، این پل راه‌گذری است که ارواح بایستی از آن بگذرند و به بهشت یا دوزخ وارد شوند. مفهوم این معنا از آیین مزدیسنا به‌میان یهودیان راه یافت و توسط یهودیان به نام پل صراط وارد دین اسلام گشت. در متون پهلوی چینوت یا چینور و در فارسی چینود نام گرفته است. اما در فرهنگ‌های فارسی به اشکالی دیگر آمده است که محل اعتبار نیست. این کلمه در اوستا اغلب با کلمهٔ پرتو همراه است که در فارسی پل می‌گوییم (چاوشی اکبری، ۱۳۸۳، ص ۱۹۵).

۳. اعتقاد زرتشتیان دربارهٔ روان

زرتشتیان به مسئلهٔ روان اعتقاد خاصی دارند، که براساس برخی متون روان دارای سه بخش است: روان اندر تن یا نگهبان، روان بیرون از تن و روانی که در جهان مینویی است؛ و در این مورد بیان می‌کنند که بعد از مرگ بدن متلاشی شده و از بین می‌رود؛ ولی روح جاودان می‌ماند. اما متلاشی شدن این بدن به‌طور موقت است؛ زیرا معتقدند که در روز آخر این بدن بایستی با افتخار و روشنایی تمام ظاهر شود. اما بعد از اینکه روح از بدن خارج شد، تا مدت سه روز در روی زمین می‌ماند و می‌گویند که این روح سه روز تمام، بالای سر جسدش اقامت می‌کند. اقامت او هم برای این است که باید در یکی از روزها دو مرتبه برگردد؛ زیرا آنها در موارد زیادی گفته‌اند که جسد هم بعد از این سه روز به محل دیگر می‌رود و آنجا محلی دور از انسان‌های زنده است، که حشرات و لاشخورها باید این بدن آلوده را از بین ببرند (ژان وارن، ۱۳۶۲، ص ۱۱۹).

دادگری پایانی بازخواهند گشت (هینلز، ۱۳۹۳، ص ۶۸). بنا بر دین زردشتی در آن هنگام دو دادگر وجود خواهد داشت؛ از این رو انسان باید در دو جنبه وجودی‌اش مورد قضاوت، پاداش یا مجازات قرار بگیرد. تصور بر این است که دادگری پس از مرگ، قطعاً جنبه روانی دارد؛ بدین معنا که روان، جوهره انسان انگاشته می‌شود؛ اما جسم در همه حال، جامه‌ای ضروری برای آن محسوب می‌شود، که تنها در برهه میان مرگ و فرسنگرد موقتاً از آن جدا می‌شود؛ که امشاسپندان محافظ آنها هستند؛ زیرا جسم برجای مانده بر زمین را می‌توان دید. پس نخستین دیدار از بهشت یا دوزخ، صرفاً برای روان است، مسلماً دادگری پس از رستاخیز برای جسم است. تنها زمانی که روان و جسم هر دو مورد قضاوت قرار گرفته و اصلاح شدند، انسان کاملاً می‌تواند در صلح و صفا نزد خدا زندگی کند (همان، ص ۶۹).

داوری نهایی و عمومی پس از رستاخیز و تن‌پسین صورت می‌گیرد؛ بدین شرح که سرانجام در پایان دوران نه هزار ساله گیتی، آخرین موعود زردشتی که سوشیانس نام دارد، ظهور کرده رستاخیز به‌پا می‌کند. در این رستاخیز، ارواح مردگان به بدن‌هایشان که دوباره شکل گرفته برمی‌گردد و همگی در یک جلسه قضاوت عمومی در محضر عدل اهورایی حاضر می‌شوند. این بار گناه‌کاران و نیکوکاران با تن و جسم خود وارد دوزخ یا بهشت می‌شوند. این عذاب جسمانی فقط سه روز طول می‌کشد؛ ولی چنان سخت است که به‌نظر گناه‌کاران نه هزار سال جلوه می‌کند. پس از این سه روز، سیلی از فلزات گداخته جاری خواهد شد و پارسایان و گناه‌کاران هر دو از این سیل می‌گذرند؛ که برای نیکوکاران همچون شیر گرم است. گناه‌کاران بعد از آن پالوده می‌گردند و از آن به بعد، گناه‌کاران و نیکوکاران با هم برابرند؛ با یک تفاوت که شادی پارسایان اصلی به مراتب بیشتر از شادی گناه‌کاران است که به سبب مجازات پاک شده‌اند؛ آنگاه عمل فرسنگرد آغاز می‌شود (باقری، ۱۳۸۵، ص ۵۳).

کتاب وندیداد سگ‌هایی را در مدخل پل چینوت پیش‌بینی می‌کند تا نیکوکاران را در سفر روی پل همراهی کنند. سگ‌ها رفتاری صلح‌جویانه دارند؛ زیرا به بدکاران کاری ندارند و به آنها حمله نمی‌کنند. بندهش این سگ‌ها را سگ‌های معنوی می‌خواند و معتقد است فرشتگانی همانند سروش و آذر هم برای پیشواز نیکوکاران روی پل خواهند بود و دوشیزه‌های خوش‌اندام و آراسته با سگانی در دوسوی او فرامی‌رسند (مهر، ۱۳۷۴، ص ۹۸).

و سهمگین که روان را از خشکی و چربی نزار رسد. دیگر، کنیز پیکری سهمگین، زشت پیکر که گستاخی در او نهفته است، از همه سوی سهمگین، که روان را از او بیم و ترس رسد؛ دیگر بستان پیکری رسد بی‌آب، بی‌درخت بی‌آسایش که روان را از او بداندیشی رسد که بوم دوزخی است» (دادگی، ۱۳۷۸، ص ۱۳۰).

هر انسانی اگر در کار نیک قصور ورزد و بدی‌هایش بر خوبی‌ها افزونی یابد و اسیر دست دیوان، به‌سوی تباهی بگراید؛ سرنوشت وی در جهنم خواهد بود. هرگاه اعمال و رفتار نیک و بد او کاملاً یکسان و یک اندازه باشد، روح در برزخ که محلی بین بهشت و دوزخ به‌نام همیستان ساکن خواهد شد. اعتقادات قدیمی در مورد مرگ و آخرت یکی از مسائلی است که تا به امروز به‌همین صورت روشن و دست‌نخورده باقی مانده است. بر طبق این اعتقادات، حتی اگر جسد نقل مکان داده شود، روح تا سه روز در محل مرگ باقی می‌ماند و بستگان متوفی برای تقدیم تواضع و احترام خود به روح نامرئی بدن محل می‌آیند. در طی این سه روز اگر مراسم و تشریفات مربوطه به‌عمل آید، ایزد سروش از روح محافظت می‌کند. البته کسانی که شخصی را ندارند برایشان سود بفرستد، از گنج همیشه سود استفاده می‌کنند. در غیر این صورت روح مورد طعنه و تهدید گروه دیوان که در آنجا جمع هستند، قرار می‌گیرد. به‌خاطر روح، سه بار در روز غذا نذر می‌کنند و این غذاها به سگ داده می‌شود. در طلوع روز چهارم روح به پل چینوت می‌رود و در حضور سه ایزد، یعنی مهر، رشن و اشتاده، اعمال وی مورد سنجش و داوری واقع می‌شود (کای بار و بویس، ۱۳۴۸، ص ۱۷۳).

۴. رستاخیز و معاد

براساس اعتقاد زردشتی، دوزخ و بهشت جاودانه نیستند. به‌نظر می‌رسد که هدف تمام مجازات‌ها، اصلاح کردن است. پدر یا مادری که فرزندش را فقط به‌خاطر کیفر تنبیه می‌کند، کاری غیراخلاقی مرتکب شده است. همان‌طور که بهشت جای پاداش است، دوزخ نیز مکان کیفر است؛ اما زردشتیان معتقدند که مجازات باید اصلاح‌کننده باشد. اگر دوزخ جاودانه بود، کیفرش نمی‌توانست اصلاح‌گر باشد. بنابراین در باور زردشتی روان برای اصلاح و نه برای همیشه، به دوزخ می‌رود. در بازسازی جهان در روز رستاخیز که بر طبق اسطوره‌های پیشرفته متون پهلوی، همه انسان‌ها در هیئت جسمانی و روحانی بازآفرینی و داوری نهایی می‌شوند و از بهشت و دوزخ به

شده که به جهان نور بتازند و در جنگی میان ایزدان نور و دیوان، پاره‌هایی از نور ایزدان به چنگ دیوان می‌افتد؛ بدین گونه دوران آمیختگی نور و ظلمت آغاز می‌شود؛ و فرایند نجات و رستگاری، رهایی روشنی از تاریکی و بازگشت آن به وضعیت جدایی نخستین است و همه چیز در آیین مانی از این دیدگاه ارزیابی می‌شود. کردارهایی که این فرایند را سرعت و سهولت می‌بخشد، کردار نیک و خلاف آن، کردار بد محسوب می‌شود (مزدایور و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۴۳۹).

معرفت، آگاهی و خرد، مهم‌ترین ویژگی دین مانی است که شرط رستگاری است؛ البته خردی که مانی از آن سخن می‌گفت مبتنی بر اشراق بود. مانی با تطهیر صرفاً جسمانی مخالفت کرد و معتقد شد تطهیر از راه گوس، دانش و معرفت امکان‌پذیر است؛ و تطهیر روح را مطرح کرد و گفت: عیسی درخشان، خردشهر، یا ایزد جهان خرد رهاکننده روشنایی است که وظیفه آگاهی دادن را دارد، از تطهیری سخن می‌گوید که از راه معرفت است و شامل جدایی نور از ظلمت، جدایی زندگی از مرگ و جدایی آب زنده از آب منجمد است. منظور مانی از اصطلاح آب زنده که در نوشته‌هایش بارها به کار برده است، همان آب مینویی یا روحانی است که باعث تطهیر روح و جان آدمی می‌شود. کاربرد آب زنده، جنبه استعاری دارد و استعاره‌ای گنوسی برای پالودن روح و نور در بند است (اسماعیل‌پور، ۱۳۹۶، ص ۱۴۹).

جامعه مانوی به دو طبقه تقسیم می‌شوند، که با توجه به وظایف دینی، کارکرد و نحوه رستگاری‌شان اهمیت داشت. شیوه رستگاری فرد از دیدگاه مانوی برای گزیدگان و نیوشایان تفاوت دارد. روح فرد برگزیده به هنگام مرگ مستقیماً به سرزمین نور می‌رود و با شکوه بسیار پذیرایی می‌شود؛ اما روح یک نیوشا بر زمین می‌ماند و طی چندین بار به انواع گوناگون، تجسد مجدد، یا تناسخ می‌یابد و سرانجام در جسم یک برگزیده درمی‌آید تا بتواند به سرزمین نور عروج کند. مدت زمان رهایی او بسته به این است که چه قدر به برگزیدگان دین خدمت کند. ارواح کسانی که به واسطه بهمن (نوس) بیدار و آگاه نشده‌اند، از نو به پیکر حیوانات درمی‌آیند و تا ابد منفرودند (همان، ص ۳۸).

در دین مانی از معاد جسمانی نشانی نیست و هر آنچه گفته شده درباره معاد روحانی (نوری) است؛ بدین معنا که نوری که روح انسان را می‌سازد به نحو مادی قابل نجات یافتن نیست. نجات هر فرد به کوشش آگاهانه او برای پرهیزگاری، اما نه براساس استدلال عقلانی؛ بلکه از طریق شهود ناشی از اشراق بستگی دارد. مانی این

برای زرتشت لازمه رسیدن به سعادت مطلق، رجعت به حال نخستین گیتی، یعنی یکی شدن مجدد روان با جسم، که همان تن‌پسین، جسم معادی یا زندگی اخروی در جهان طبیعی بازسازی شده بی‌عیب و نقص است. با تن‌پسین است که تعالیم این دین کامل می‌شود و اهداف آفرینش کامل می‌گردد. از دیدگاه او فرشگرد به معنای نوسازی که در زمان بیکرانگی صورت می‌گیرد، به هدف پالایش همه پلیدی‌هاست و می‌بایستی در همین زمین خاکی متعلق به هفت امشاسپند روی دهد تا زمین فرشگرد را به خود ببیند و ملکوت خداوند شود. پس بنا به گفته او آمرزیدگان بقیه عمر (عصر) آمیختگی را در حال مینویی و غیرجسمانی خواهند گذرانید؛ تا آنکه در روز داوری فرجامین، روان آنان آنگاه که زمین اجساد را در دل خویش به امانت نگاه داشته است، پس می‌دهد؛ با این جسدهای معاد یافته، پیوند حاصل می‌کنند (بویس، ۱۳۹۳، ص ۲۷۷).

اشارات مکرری در گاهان مینی بر آزمودن از طریق «آذر فروزان و آهن گدازان» وجود دارد که رنج از برای پیروان دروغ است و سود از برای پیروان راستی (یسنای، هات ۳۲، بند ۷)؛ به این معنا که هنگامی که مزدا و نیروها و مخلوقاتش (سپننه) شر را شکست دادند و انگره مینو و نیروهایش نابود شدند، روح انسان‌ها از بهشت و جهنم به زمین بازآورده می‌شود و وارد بدن‌های آنها که برخاسته‌اند، خواهد شد؛ تا به همراهی آنانی که زنده‌اند در معرض آخرین داوری جسمانی قرار گیرند (تن‌پسین بدن‌های برخاسته بلافاصله پس از مرگ در بهشت برین به سعادت می‌رسند). داوری همگانی از طریق آزمایش سختی مشابه مجازات با فلز گداخته، خواهد بود که در آن گناهکار نابود خواهد شد و بی‌گناه با دخالت ایزدان نجات خواهد یافت. آنگاه جهان شگفت خواهد گشت که ترجمه اوستایی آن فرشه است و این مفهوم پایان مطلق جهان و فرایند تولد و مرگ است (بویس و دیگران، ۱۳۸۸، ص ۳۹).

۵. رستاخیز نوری و دئنا در آئین مانویت

در باور مانویان دو بُن‌ازلی و حادث یعنی دو نیروی نیکی (روشنی یا روح) و بدی (تاریکی یا ماده) وجود دارند. در اسطوره آفرینش مانوی، این دو بُن در آغاز از یکدیگر دور هستند و در فرایند نبرد دشوار که به آفرینش انسان منتهی می‌شود، به هم می‌آمیزند. انسان کنونی در دوران آمیزش این دو بُن به سر می‌برد؛ رشک اهریمن و دیوان باعث

است. جسم انسانی که خود جزئی از ماده یعنی جهان اهریمن (زشت و پلید و عفن) است، نور جهان اورمزدی در آن زندانی است و اهریمن از جهان روشنی دزدیده؛ زیرا زمانی که ایزدان در برابر حمله اهریمن چاره‌ای جز قربانی کردن گروهی از خود، از جمله هرمزدبغ (انسان نخستین) را نداشتند؛ اهریمنان با خوردن این ایزدان شروع به زاد و ولد انسان می‌کنند؛ تا اسارت نور در درون خود را گسترده کنند. اما وظیفه انسان با راهنمایی ایزدانی که زروان (پدربزرگی) فرستاده، آزاد کردن نور است (رک: آذرانداز). روان در تن، خدایی در بند اهریمن است؛ و هنگامی که از اصل خود آگاه شد، رهروی رسیدن به اصل می‌شود و به سیر و سلوک می‌پردازد و کسی که از اصل خود آگاه شد، دیگر ساکن تن نمی‌ماند؛ می‌رود که گریزگاهی پیدا کند و از این جایگاه پست و پلید رها شود. اما نکته اساسی در این است که در دین زردشتی، وقتی روان از جسم جدا شود (جسم) پلید می‌گردد؛ تا جایی که به هیچ‌یک از عناصر سه‌گانه (آب، آتش و خاک) پاک نمی‌گردد و همین نشان می‌دهد که اندیشه‌های مانوی (پلیدی ماده) از عناصر کهن ایرانی نیز تأثیر گرفته است (وامقی، ۱۳۷۸، ص ۳۸).

۶. اعتقاد مانویان در مورد روان

به‌طور کلی مبحث اصلی در تمامی مراحل اساطیر مانوی، بر نور (روان) استوار شده و در تمام مراحل کوشش اصلی بر بازگشت نور به جایگاه اصلی، یا سرچشمه راستین آن است. اسطوره داورِ روز پسین و زن جوانی که چهره‌اش تحت تأثیر کردار نیک یا بد گذشته دگرگون می‌شود و در روز پسین به دیلار روان در گذشته می‌آید، در منابع مانوی نیز اسطوره‌های معروف است و به اندازه کافی مورد بحث قرار گرفته است. از آنجاکه زبان سغدی در میان مانویان آسیای میانه رواج داشت، پس آشکار است که بخشی از منابع مانوی را دست‌نوشته‌های سغدی تشکیل می‌دهد. به‌عنوان مثال، گونه مانوی داستان دنا در قطعه سغدی بدین صورت است که روان راست کار، نخست به دخترانی برمی‌خورد که او را با گل می‌آرایند و برایش تخت روان زرینی مهیا می‌کنند و به وی اطمینان می‌دهند که: «مترس! روان راست کار به‌سوی بهشت روشن پای بنه و شادی را پذیرا شو؛ زیرا در این جهان از کشتن پرهیز کردی، دلسوزی را با جان‌های همه آفریدگان درک کردی و گوشت‌شان را نخوردی! اکنون به بهشت عطرآگین که در آن شادی ابدی است، پای فراز نه». سپس این اعمالش به‌صورت دوشیزه شاهدختی شگفت‌انگیز، نزد وی می‌آید و او را رهسپار بهشت می‌کند (شروو، ۱۳۸۲، ص ۸۲).

روح بیدار را انسان نو می‌نامد. بنا بر روایات این دین، درباره سرنوشت فرجامین، دو دیدگاه را می‌توان یافت: ۱. روان هرکس پس از مرگ در برابر داور دادگر (از ایزدان آفرینش سوم) پدیدار شده و با رأی او یا به بهشت نو می‌رود یا به گذرگاه آمیختگی روشنی و تاریکی این جهان بازگردانیده می‌شود، و یا به دوزخ می‌رود. ۲. هنگامی که روح پرهیزگار (فروهر) از بدن جدا شد، یک ایزد رهایی‌بخش پذیرای او می‌شود و سه فرشته همراه این ایزد، نشانه‌های پیروزی (تاج گل و خورشید و ماه به بهشت نو می‌رود؛ خورشید و ماه که بالاترین درجه روشنی را دارند، نقش حامی را دارند که ذرات رها شده نور را به بهشت نو منتقل می‌کند (ابن‌ندیم، ۱۳۷۹، ص ۳۲).

روان‌های بدکرداران، یعنی کسانی که آگاهی از روح و اصل و تبار ایزدی را فراموش کرده‌اند، به حضور ایزدان خواهند آمد و پیرامون آن آتش بزرگ خواهند ایستاد، و بدکرداران اندر آتش بزرگ رنج خواهند برد و پیچ و تاب خواهند خورد و در آن هنگام به بالا نگاه خواهند کرد و دیونران را خواهند شناخت. آنان التماس‌کنان چنین گویند: ای کاش که اقبال نیک شما بر ما می‌بود و ما را از این سوزش آتش نجات بدهد؛ اگر می‌دانستیم چنین عذاب سختی بر ما می‌رسد، ایمان می‌آوردیم و دین را می‌پذیرفتیم. پس گناه‌کاران را ندامت و هم و غم افزون می‌شود این وضع آنها برای همیشه است (همان، ص ۳۳).

اگر انسان درست‌کاری از این دنیا برود، هرمزدبغ، ایزد درخشانی را به‌صورت حکیمی راهنما به‌سوی او می‌فرستد، که سه ایزد با او باشند و با خود، ظرف آب، جامه، تاج و دیهیمی از نور دارند و دوشیزه‌های شبیه روان آن فرد همراه آنهاست. بعد از مرگ، اهریمن، دیو آ و دیوان دیگر بر او ظاهر می‌شوند و همین که درست‌کار آنها را ببیند از داور دادگر و فرشتگان یاری می‌طلبد. آنها فرد درست‌کار را نجات می‌دهند و با خود می‌برند و او را از طریق ستون روشنی، به ماه، خورشید و به بهشت می‌برند و هنگامی که آفتاب و ماه قوای او را به‌سوی خود جلب کردند، فرد درست‌کار تبدیل به نور ایزدی می‌شود. اما انسانی که کردار بد و خوب او در موازنه هم قرار دارد، هنگام مرگ، هم ایزدان و هم دیوان، نزد او حاضر می‌شوند. او به استغاثه درمی‌آید و به کردار نیک خود متوسل می‌شود و آنان نیز وی را از دیوان نجات می‌دهند (ابن‌ندیم، ۱۳۴۳، ص ۵۹۶).

از دیدگاه مانی، جهان مادی در ذات خود پدیده‌ای اهریمنی

در منظومهٔ انگدروشان نیز در این باره چنین آمده است: بنگر که بازمی گردند به هر بازایی و به هر رنج و به زندان‌های خفقان آور و بین که باردیگرزاده می‌شوند، به‌میان همه دامن، و بانگ آنان شنیده می‌شود به شیونی سوزناک (وامقی، ۱۳۷۸، ص ۱۴۶). عالم ماده جهان تباهی است و تحمل آن برای مانویان چون دوزخ است. در سرودهٔ انگدروشان آمده است: همه تباهی است و رنج مرگ و خود رانده شدی از آرام (جای) اصلی‌ات و همه تنگی‌ها که در دوزخ تحمل کردی برای آن تحمل کردی، از آغاز تا ابتدا (همان، ص ۱۴۵). بدینی مانویان به جهان مادی و نکوهش آن به‌قدری در متون و آثار به‌جامانده از آنان فراوان است که به یکی از اساسی‌ترین مفاهیم این دین بدل شده است: به یادآور ای جان! و رنج‌ها را بنگر که بردی به خشم، خشم همه نابودگران؛ و جهان را بنگر و زندان آفریدان راه، چه، هر آرزو را به تندی، نابود کند (همان، ص ۱۵۰).

با توجه به تناسخ که از دیگر نقاط اشتراک با مکاتب گنوسی است؛ مانی دلیل تولدهای مکرر را تکامل نیافتن روح انسان و کسب نکردن معرفت می‌داند: پس آنها را که بشنود، باور کند و در سر خود نگه دارد و به کردگان کرفه (اعمال نیکو) بپردازد تا رستگاری یابد از این زامُرد و از همه گناه‌هایی یابد، بدان روی است که به فرمان پاک و به این خرد کامل (آیین مانوی) به این خدمت‌گزاری و فروتنی، من مارمانی و تو، مارامو و همه پیشینیان و این مردمان فرخ نیز که به این زمان باززاده شوند و نیز آنان که در آینده یاززاده شوند، از این زامُرد رهایی یابند... آنان‌اند که رها شوند و از این زامُرد رهایی یابند و رستگاری جاویدان یابند (بهار و اسماعیل‌پور، ۱۳۹۳، ص ۲۸۴).

۸. معاد نوری

در روز رستاخیز، جهان پایان می‌گیرد. روز رستاخیز پایان دوران کنونی (دوران آمیختگی روشنایی و تاریکی) است. عیسای درخشان برای دومین بار پدیدار می‌شود، تا روان‌ها را داوری کند و رستگاران را از گناه کاران جدا کند. پس از آن ایزدانی که نگهدارندهٔ جهان‌اند، یکسره جهان را رها خواهند کرد. آسمان و زمین بر هم خواهد ریخت و آتشی بسیار بزرگ زبانه خواهد کشید. واپسین پاره‌های روشنایی آزاد خواهند شد و همه باهم، ایزدی به‌نام واپسین ایزد شده و به بهشت نو فراز خواهند رفت. کیهان مادی (تاریکی) به خودش سپرده می‌شود. سرانجام بهشت نو که از پدیده‌های جهان زیرین

باید به‌خاطر داشت که در مانویت هم، شخص پرهیزگار پس از مرگ، با نفس عالی خود که به‌صورت باکرهٔ الهی بس نیکویی درآمد است و او را تا بهشت همراهی می‌کند، ملاقات خواهد کرد. حدود ۸۰ فرشته از جنس مخالف، پوشیده از گل، پس از مرگ نزد پرهیزگار می‌آیند و او را ترغیب می‌کنند که به بهشت نور قدم گذارد و لذت حقیقی را دریابد. در مانویت تعداد خاصی از برگزیدگان لقب گنج‌بانان مادر والا را دارند؛ زیرا وظیفهٔ آنها نظارت بر اعمال نیک است (ویدنگرن، ۱۳۷۶، ص ۸۸).

مانویان به دو نوع تناسخ اعتقاد دارند: نسخ (حلول روح در بدن انسان دیگر)؛ مسخ (حلول روح در تن جانوران). مثلاً اگر شخصی موشی را بکشد، به مثال موش درمی‌آید. در تناسخ مانوی، انسانی که سئزه‌جوست؛ اما درعین‌حال این کیش و نیکوکاری را پذیرفته و از این دو مورد و صدیقان نگهداری می‌کند؛ هنگامی که مرگش برسد، اهریمنان هم حاضر می‌شوند و او به استغاثه درآمده و به کردار نیک خود و نگهبانی که از کیش و صدیقان داشته، توسل کرده و آنها وی را از اهریمنان نجات می‌دهند. او در این عالم مانند کسی است که در خواب چیزهای هراس‌انگیز ببیند و در گل‌ولای فرو رود؛ و این حال ادامه دارد، تا وقتی که نور او و روح او خالص شود و لایق پیوستن به صدیقان گردد و جامه آنها را پس از مدتی که درحال تردد بود، بیوشد (ابن‌ندیم، ۱۳۴۳، ص ۵۹۷).

۷. سرانجام بدکاران و تناسخ

دانش، شرط رستگاری است؛ چه، همه آمیخته به بدی و زمان‌مند و کران‌مند و گذراست؛ و دانایان و داوران گزیده، شناختن نیکی ناسامان و نازمان (دارای مکان و زمان بی‌کران) و ناآمیختهٔ بهشت را در برابر نیکی سامان‌مند و زمان‌مند و آمیختهٔ مادی توانانند. و به‌همین گونه بدی بی‌شمار و ناسامان دوزخ از بدی شمارمند (معدود) و سامان‌مند (موجود) در گیتی دیده و دانسته می‌شود که هست (بهار و اسماعیل‌پور، ۱۳۹۳، ص ۳۴۳).

عیسای درخشان (خردی شهرایزد) بدکاران را از دینوران جدا کند و ایشان را در دست چپ ایستاند و نفرین‌شان کند؛ و چنین گوید که مباد دروغ‌خیز؟ همه درخشان بود. چه آن گناهی نیز که شما کردید، آزاری که شما فریفتاران کردید، آن را شما فرزند انسان در حق من کردید (همان، ص ۳۲۵).

دارند، در برزخ عذاب می‌شوند؛ و در قیامت هم شفاعت شامل حال کسانی می‌شود که زمینه شفاعت از بین نرفته باشد؛ و آنهایی که فقط از نظر اسم، شیعه هستند، شفاعت نمی‌شوند؛ یعنی مشرکان، ترک‌کنندگان نماز، تکذیب‌کنندگان روایات، منافقان، فاسقان و کسانی که به شفاعت ایمان ندارند (نورمفیدی، ۱۳۹۴، ص ۲۳۸).

۱۱. روز قیامت و نمونه‌هایی از تجسم اعمال

آیه ۴۹ سوره «کهف» بیان می‌کند که انسان در قیامت همه اعمال خود را حاضر می‌بیند و خوبی‌ها و بدی‌ها همه و همه در برابر او تجسم می‌یابد؛ و درواقع، افراد گرفتار اعمال خود هستند. در آیه ۱۸ سوره «نبا» می‌خوانیم روزی که در صور دمیده می‌شود و مردم به گروه‌های مختلف وارد می‌شوند. پیامبر اسلام ﷺ در این‌باره می‌فرماید: خداوند در قیامت از بین مسلمانان ده صف را جدا می‌کند و آنان را به شکل‌های خاصی در صحنه قیامت می‌آورد. گروهی به صورت میمون هستند و گروهی به صورت خوک؛ بعضی سرنگون وارد محشر می‌شوند و پاهای آنان به طرف بالا و سرشان در زیر قرار دارد؛ و بعضی کور محشور می‌شوند؛ برخی کر و لال به محشر می‌آیند و برخی در حال جویدن زبان خود وارد محشر می‌شوند؛ که از آن چرک و خون می‌ریزد، و غیره. سپس برای هر یک توضیحات آن را بیان کرد. به‌عنوان مثال آنان که به صورت میمون وارد محشر می‌شوند، طاغیان و ستمگران هستند (موسوی‌زاده، ۱۳۸۰، ص ۹۹).

بعضی از مردم به صورت انسان هستند؛ ولی در سیرت دارای خلق و خوی گزندگان و درندگان می‌باشند. خداوند آنها را در دنیا رسوا نمی‌کند، ولی در قیامت سرشان فاش می‌گردد و به امر الهی در شکلی متناسب خلایق ناپسندشان محشور خواهند شد؛ به این معنا که در دنیا این درنده‌خویان به کارهای ناروای خویش شکل می‌دادند و در آخرت، همان کارهای ناروا به آنان شکل می‌دهد و چهره زشت درونشان را آشکار می‌سازد؛ به طوری که یکی از مشهورترین احادیث در باب نیت (انما الاعمال بالنیات) است (اشتهاردی، ۱۳۸۹، ص ۱۶۸).

۱۲. اعضای بدن گواهان روز قیامت

اعضای بدن، مانند دست و پا و زبان، در روز قیامت به اذن پروردگار سخن می‌گویند: «آلِیَوْمَ نَخِیْمُ عَلَیْ اَفْوَاهِهِمْ وَ تُكَلِّمُنَا اَیْدِیَهُمْ وَ تَشْهَدُ اَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا یَكْسِبُونَ» (یس: ۵۶)؛ امروز بر دهان‌ها مهر می‌زنیم و

جداست، به بهشت بزرگ خواهد پیوست و واپسین ایزد و ایزدان روشنایی به دیدار پدر بزرگی (خداوند بزرگ) رفته و به او می‌پیوندند؛ و این مطلب از آن جهت اهمیت دارد که به نجات همه روان‌ها و داوری آنها اشاره دارد (آقامحمدی، ۱۳۸۴، ص ۸۸).

۹. مفهوم بازگشت اعمال در دین اسلام

روز رستاخیز آنچه را عمل کرده بودند، در پیشگاه خود حاضر و موجود می‌یابند و پروردگارت بر کسی ستم نمی‌کند (کهف: ۴۹)؛ اعتقاد به رستاخیز و زندگی پس از مرگ از نظر قرآن، امری مسلم است. آیات بسیاری بر آن دلالت دارد؛ چنان که در قرآن سوره‌ای به نام «قیامت» نام‌گذاری شده و در بیشتر سوره‌های قرآن، به صورت اشاره یا تصریح از جهان اخروی یاد شده است. آنچه در رستاخیز روی می‌دهد و انکشی به ساحت ازیلی است که در روایت اسلامی در تکبر و طغیان ابلیس، یعنی همان گناه ازیلی در برابر امر الهی متجلی می‌گردد. آنچه الله از انسان می‌خواهد این است که جهان را عرصه آزمون الهی بداند و از ابلیس پیروی نکند (سبحانی، ۱۳۶۹، ج ۹، ص ۵).

۱۰. تجسم عقاید و اعمال در برزخ

در روایات اسلامی، شخص درگذشته، تا هنگامه معاد، در جهان بینابینی به نام برزخ به سر می‌برد که حفاصل میان مادیات و مجردات است. برخی آیات قرآنی اشاره کرده‌اند که پیش از برپایی رستاخیز، اموات از دستاورد اعمال خود بهره‌مند می‌شوند؛ از این‌رو برزخ را عالم قبر هم می‌نامند. در دین مبین اسلام، ورود روح به برزخ، در حقیقت کنار رفتن حجاب و قرار گرفتن در آنچه که باطناً در آن بودیم، است. بدان معنا که با مرگ حجاب‌ها کنار می‌رود و هر کس افکار و عقاید و اوصاف و اعمال خود را با چهره برزخی و باطنی آنها می‌یابد؛ به طوری که عقاید و اخلاق و اعمال حق برای فرد، صورت‌های جذابی دارد و عقاید و اعمال باطل، برعکس هستند. یکی از ویژگی‌های مهم برزخ، موضوع تجسم اعمال است که گرچه آیات قرآنی آن را به معاد ربط می‌دهند؛ اما در روایات اسلامی این امر مربوط به دوران برزخ هم دانسته شده است (طاهرزاده، ۱۳۸۷، ص ۹۴).

امام صادق علیه السلام فرمودند: شیعیان ما در قیامت همه در بهشت هستند و مورد شفاعت پیغمبر و وصی او قرار می‌گیرند؛ اما در برزخ (یعنی عالم قبر تا قیامت) شفاعتی وجود ندارد. آن شیعیان و مؤمنان که گناهیانی

۱۳. قرآن بر جسمانی بودن معاد گواهی می‌دهد

هرچند دلائل عقلی بر لزوم اصل معاد گواهی می‌دهد، کیفیت معاد و اینکه تنها روحانی است یا روحانی و جسمانی، مسئله‌ای است که فلاسفه و متکلمان براهین متعددی برای آن بیان کرده‌اند. آیات قرآن به روشنی گواه می‌دهد که معاد انسان‌ها تنها روحانی نبوده، بلکه روحانی و جسمانی است و جسمی که روح به آن تعلق خواهد گرفت، همان جسم عنصری است که مبدأ یک رشته فعل و انفعال‌های فیزیکی و شیمیایی است. بی‌گمان باور به حشر اموات که در قرآن مکرراً به آن تصریح شده، حکایت از قدرت‌نمایی پروردگاری دارد که به‌رغم ساحتی ازلی تکبر و طغیان، بر انجام هر کاری تواناست. به‌عنوان مثال مردی از میان قبرستان استخوان‌های پوسیده‌ای جمع کرد و نزد پیغمبر رفت و با تعجب گفت چطور این استخوان‌ها دوباره زنده و جمع می‌شود؛ فوراً آیه ۷۹ سوره «یس» نازل شد، که بگو استخوان‌ها را آن کس که آنها را برای نخست‌آفرید، زنده می‌کند و او به همه مخلوقات خود، داناست (سبحانی، ۱۳۶۴، ص ۱۱۹).

۱۴. دلیل فلسفی جسمانی بودن عقاید و اعمال

درباره چگونگی ظهور عقاید و اعمال باطنی در بیرون، به دو نکته باید توجه داشت: یکی توجه به قوه واهمه انسان که به عقاید و نیات انسان صورت می‌دهد و با توجه به معنای هر کلمه، صورت مناسب آن در موطن خیال ایجاد می‌شود؛ دوم اینکه چون نفس انسان از مشغولیات حس آزاد گردد و دیگر مشغول تدبیر بدن نباشد، قدرت زیادی در ایجاد صورت‌ها در بیرون پیدا می‌کند؛ کاری که اولیای خدا انجام می‌دهند و مطابق صورت ذهنی خود، آن را در بیرون ایجاد می‌کنند. حال در برزخ و قیامت آنچه انسان توسط قوه واهمه در موطن خیال خود ایجاد کرده، در بیرون نیز به وجود می‌آورد. حال اگر قوه واهمه، مؤدب به ادب الهی شده باشد، از طریق ارتباط با عالم معنا در اطراف خود صورت‌های ملائمت فطرت پدید می‌آورد و بهشت خود را می‌سازد و بالعکس (طاهرزاده، ۱۳۸۷، ص ۱۰۹).

مقایسه و تحلیل

تجسم اعمال (دثنا) در دین اسلام، زرتشت و به‌ویژه مانی، جنبه‌های منحصر به فردی دارد؛ اما به‌طور کلی با توجه به اینکه در دین مانی معاد جسمانی نداریم و مانویان به تناسخ اعتقاد دارند، دلیل تولدهای

به‌جای آن، دست‌هایشان سخن می‌گویند و پاهایشان گواهی می‌دهند به کارهایی که انجام داده‌اند. به این دلیل است که انسان نباید از آنچه علم ندارد، پیروی کند. بدان معنا که سخنانی که انسان بدون علم و یقین می‌گوید، یا از افراد غیر موثق شنیده و یا می‌گوید دیده‌ام؛ درحالی که ندیده؛ و یا در تفکر خود دچار قضاوت‌های بی‌مأخذ شده که با واقعیت منطبق نبوده است. به‌همین دلیل، از گوش و چشم و فکر او سؤال می‌شود که آیا شما واقعاً به این مسائل ایمان داشتید که شهادت دادید یا قضاوت کردید یا به آن معتقد شدید و عمل خود را بر آن منطبق نمودید؟ (علم‌الهدی، ۱۳۵۳، ص ۱۳۴).

قرآن می‌فرماید: «يَوْمَئِذٍ يَصُدُّ النَّاسُ أُنثَاتًا لِّئُرَوَّا أَعْمَالَهُمْ، فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَ مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ» (زلزال: ۷۰)؛ که یکی از روشن‌ترین آیات بر مسئله تجسم اعمال است. همه افراد بدون استثناء، هر عملی را انجام داده‌اند، از نیک و بد، در آن روز خواهند یافت؛ با این تفاوت که از مشاهده اعمال نیک خوشحال می‌شوند و از مشاهده اعمال بد آنچنان وحشت می‌کنند که آرزو می‌کنند از آنها فاصله بگیرند؛ به‌طوری که مادر فرزند را و فرزند مادر را بکلی به دست فراموشی می‌سپارد. افکار و تمام اعمال نیک و بد انسان تجسم یافته و اطراف او را احاطه می‌کند. رسول اکرم ﷺ در این مورد نصایح سودمندی فرمود: برای تو به‌ناچار همنشینی خواهد بود که هرگز از تو جدا نمی‌گردد، با تو دفن می‌گردد؛ درحالی که تو مرده‌ای و او زنده است. همنشین تو اگر شریف باشد تو را گرمی خواهد داشت و اگر نابکار باشد تو را به دامان حوادث می‌سپارد؛ آنگاه آن همنشین با تو محشور می‌گردد و در رستخیز با تو برانگیخته می‌شود و تو مسئول آن خواهی بود؛ پس دقت کن همنشینی که انتخاب می‌کنی نیک باشد؛ زیرا اگر او نیک باشد، مایه انس تو خواهد بود و در غیر این صورت، موجب وحشت تو می‌گردد و آن همنشین، کردار تو خواهد بود (موسوی‌زاده، ۱۳۸۰، ص ۱۱۴). آیه ۱۳ سوره «حدید» می‌فرماید: در آن روز، مردان و زنان منافق به افراد باایمان می‌گویند کمی صبر کنید تا ما از نور شما بهره‌گیریم؛ ولی به آنها گفته می‌شود به دنیا بازگردید و تحصیل نور کنید. در این لحظه دیواری که دارای در است، میان دو گروه حائل می‌شود. درون آن دیوار بهشت و بیرونش عذاب است. در آیه ۳۹ سوره «بقره» در مورد «هم فیها خالدون» این‌طور گفته شده: و آنان که کافر شدند و آیات ما را دروغ پنداشتند اهل دوزخ هستند و در آن آتش همیشه معذب خواهند ماند.

نتیجه‌گیری

با نگاهی به این تحقیق، این نتیجه به دست می‌آید که دربارهٔ سرنوشت انسان پس از مرگ، باید سرنوشت هر انسان در پایان زندگی‌اش که با توجه به اعمال او متفاوت است را از هم بازشناخت. شیوهٔ استدلالی هر دو روایت اسلامی و زرتشتی دربارهٔ برانگیختن مردگان، کم و بیش مشابه است و هر دو دین، در بحث تجسم اعمال تا حدودی هم افق هستند؛ که فقط در کاربرد لفظی و اسطورهٔ آفرینش، تفاوت‌هایی دارند؛ اما خلایقیت و باریک‌بینی معاد زردشتی هرگز به معادشناسی دین اسلام نمی‌رسد؛ ولی در مانویت، بحث کاملاً متفاوت است؛ یعنی بحث معاد نوری مطرح است. از نظر مانوی تعبیر جریان سیر دنیا منطبق با مراحل مختلف عذاب کشیدن خداوندی است که خود منجی خویش است. داستان نجات بشر یعنی نجات این (نور) خداوند؛ زیرا خدا با ارواح همه انسان‌ها یکی است. بنابراین تفاوت‌های واقعی آنها در نوع جهان‌بینی‌شان است، که به نگاه درون‌دینی و برون‌دینی بستگی دارد و اساساً قابل مقایسه نیست.

مکرر را تکامل نیافتن روح انسان و کسب نکردن معرفت می‌دانند. عالم ماده برای آنها جهان تباهی و در ذات خود اهریمنی است و تحمل آن برای مانویان چون دوزخ است. پس جسم انسان که خود جزئی از ماده یعنی جهان اهریمنی است، نور جهان اورمزدی در آن زندانی است و هنگامی که از اصل خود آگاه شد، روهروی رسیدن به اصل خود می‌شود و دیگر ساکن تن نمی‌ماند. همچنان که زرتشتیان به مسئلهٔ روان اعتقاد خاصی دارند و در این مورد بیان می‌کنند که پس از مرگ، بدن متلاشی شده و از بین می‌رود؛ ولی روح جاودان می‌ماند. اما متلاشی شدن این بدن به‌طور موقت است؛ زیرا معتقدند در آخر، این بدن بایستی با افتخار و روشنایی تمام ظاهر شود. یعنی معاد و بازگشت اعمال، هم روحانی و هم جسمانی است. در اسلام نیز پس از مرگ افکار و اعمال نیک و بد انسان تجسم یافته و همنشین او می‌شود؛ که راه‌گریزی از آن نیست و معاد انسان‌ها روحانی و جسمانی است. تجسم اعمال به‌هیچ‌وجه با قدرت خدا در تضاد نیست؛ همان‌طور که انسان را نخست آفرید و اینکه چه چیزهایی در این سه دین، گناه محسوب می‌شود و مورد بازخواست قرار می‌گیرد هم، بسته به نوع جهان‌بینی آنها متفاوت است.

نمونه‌هایی از تجسم اعمال (دُنا)

زرتشت	مانی	اسلام
دیدن دوشیزه یا عجوزه	دیدن دوشیزه یا عجوزه	دیدن فرشته مرگ
پهن یا باریک شدن پل چینود	برای نیکوکاران ایزدانی که همراهشان تاج و دیهیم دارند	عبور از پل صراط به سختی یا راحتی
خانه سرود یا دروغ اما جهنم ابدی نیست فقط برای پالایش است	رهای روان از اسارت جسم و رفتن به بهشت نو / یا تناسخ و برگشتن به آمیزش نور و ظلمت بهشت یا عذاب بدکرداران دائمی است	سیمای حیوانات به‌عنوان تجسم اعمال، سخن گفتن اعضای بدن به اذن خدا به نفع یا بر علیه انسان. رفتن به بهشت یا جهنم که برای یک عده کمی همیشگی است
معاد جسمانی و روحانی	معاد فقط نوری (روحانی)	معاد جسمانی و روحانی
جاودانگی روح، همیستگان فقط تا رستاخیز است		جاودانگی روح، برزخ فقط تا قیامت است

کای بار، آسپهوسن و مری بویس، ۱۳۴۸، *دیانت زردشتی*، ترجمه فریدون وهمن، تهران، فرهنگ ادیان.

کشاورز، رضا و محمدعلی تجری، ۱۳۸۱، «تجسم اعمال از منظر دین و فلسفه»، *پژوهش‌های فلسفی و کلامی*، ش ۱۲ و ۱۱، ص ۲۱۵-۱۹۹.

مزدایور، کنایون و همکاران، ۱۳۹۴، *ادیان و مذاهب در ایران باستان*، تهران، سمت.

موسوی‌زاده، محمد، ۱۳۸۰، *سیری در معاد*، تهران، تندیس.

مهر، فرهنگ، ۱۳۷۴، *دیدنی نواز دینی کهن (فلسفه زرتشت)*، تهران، کتابخانه مجلس شورای اسلامی.

میرفخرایی، مهشید، ۱۳۸۶، *هادخت نسک*، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی.

نورمفیدی، کاظم، ۱۳۹۴، *از مرگ تا قیامت*، قم، بوستان کتاب.

وامقی، ایرج، ۱۳۷۸، *نوشته‌های مانی و مانویان*، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.

ویدنگرن، گنو، ۱۳۷۶، *مانی و تعلیمات او*، ترجمه زهت صفای اصفهانی تهران، نشر مرکز.

هینلز، جان راسل، ۱۳۹۳، *آئین زردشت و پارسیان*، ترجمه سعید علیمحمدی، قم، ادیان.

منابع

ابن‌ندیم، محمدبن اسحاق، ۱۳۴۳، *الفهرست*، ترجمه محمدرضا تجدد، تهران، ابن‌سینا.

_____، ۱۳۷۹، *مانی به روایت ابن‌ندیم*، ترجمه محسن ابوالقاسمی، تهران، طهوری.

اسماعیل‌پور، ابوالقاسم، ۱۳۹۶، *اسطوره‌آفرینش در کیش مانی*، تهران، چشمه.

اشتهاردی، محمدمهدی، ۱۳۸۹، *عالم برزخ (در چند قدمی ما)*، قم، نبوی.

آذرانداز، عباس، «مفهوم خرد در آیین مانی»، *مطالعات ایرانی*، ش ۲۲، ص ۱۷۰-۱۵۵.

آقامحمدی، علی‌محمد، ۱۳۸۴، *مانی - مانیگری - صوفیگری*، تهران، فرهاد.

باقری، مهری، ۱۳۸۵، *دین‌های ایران باستان*، تهران، قطره.

بویس، مری و دیگران، ۱۳۸۸، *جستاری در فلسفه زردشتی*، ترجمه سعید زارع و دیگران، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب.

بویس، مری، ۱۳۹۳، *تاریخ کیش زردشت (اوایل کار)*، ترجمه همایون صنعتی‌زاده، تهران، گستره.

بهار، مهرداد و ابوالقاسم اسماعیل‌پور، ۱۳۹۳، *ادبیات مانوی*، تهران، کارنامه.

پورداد، ابراهیم، بی‌تا، *گاتها*، بی‌جا، بی‌نا.

جعفری، یعقوب، ۱۳۹۶، «تجسم اعمال در قیامت»، *درس‌هایی از مکتب اسلام*، ش ۶۸۰، ص ۲۲-۲۷.

چاوشی اکبری، رحیم، ۱۳۸۳، *حماسه اهورایی گاهان*، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

حاجتی شورکی، سیدمحمد، ۱۳۹۶، «بررسی تطبیقی سرنوشت انسان پس از مرگ در اسلام و زرتشت»، *معرفت ادیان*، ش ۲، ص ۵۳-۷۴.

_____، ۱۳۹۸، *تسایست و نائسایست دین زرتشت*، تهران، تراث.

دادگی، فرنیخ، ۱۳۷۸، *بندشش*، ترجمه مهرداد بهار، تهران، توس.

رضایی، عبدالعظیم، ۱۳۸۶، *پیام‌های والای زردشت به جهانیان*، تهران، ذهن آویز.

زرشناس، زهره، ۱۳۸۵، «مفهوم دتنا در نوشته‌های سغدی»، *نامه انجمن*، ش ۲۱، ص ۵۱-۶۰.

ژان وارن، ۱۳۶۲، *زرتشت چه می‌گوید*، ترجمه عنایت‌الله شکیباپور، تهران، سعیدی.

ژینیو، فیلیپ، ۱۳۸۲، *رداویراقنامه*، ترجمه زاله آموزگار، تهران، معین.

سبحانی، جعفر، ۱۳۶۹، *منشور جاوید پیرامون معاد در قرآن*، قم، سیدالشهدا.

شروو، پرداز اوکتور، ۱۳۸۲، *عناصر ایرانی در کیش مانوی (با رویکرد تطبیقی - تقابلی)*، ترجمه محمد شکر فومشی، تهران، طهوری.

شهبازی، مریم و ویدا نداف، ۱۳۹۱، «جهان آخرت و تن پسین»، *عرفانیات در ادب فارسی*، ش ۱۲، ص ۴۷-۶۶.

ظاهرزاده، اصغر، ۱۳۸۷، *معاد (بازگشت به جدی‌ترین زندگی)*، اصفهان، میزان.

طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۹۲، *تجسم اعمال*، قم، المصطفی.

علم‌الهدی، علی، ۱۳۵۳، *معاد و عدل یا مراحل نهایی بشر*، تهران، افتخاریان.